

تحلیلی بر فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی

(مطالعه موردی: منطقه برآن - شهرستان اصفهان)

سید هدایت‌اله نوری* و نرگس علی محمدی**

*گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان

**کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

چکیده

ارتقای حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و برنامه‌ریزی جهت گسترش مشارکت آنان، بویژه در زمینه‌های اقتصادی، شرطی لازم برای توسعه پایدار است. این امر در نواحی روستایی که زنان از دیرباز و به طور سنتی در کارهای اقتصادی خانواده مشارکت داشته‌اند، از ضرورت بیشتری برخوردار است. تحقیق حاضر در صدد بررسی و تحلیل نقش و چگونگی فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی ناحیه روستایی برآن از بخش مرکزی شهرستان اصفهان است. این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی و مطالعه‌ای پیمایشی است که داده‌های آن از طریق پرسشگری به صورت مصاحبه با زنان روستایی ۱۵ تا ۶۵ ساله منطقه مزبور تهیه گردیده است. در این پژوهش تعداد ۱۶۴ زن از ۹ روستای منطقه به روش خوشه‌ای تصادفی و بر اساس تخصیص بهینه گروههای سنی مختلف به عنوان نمونه برگزیده شده‌اند. در این مطالعه این سؤالها که «فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی چه نقشی در اقتصاد روستایی منطقه برآن دارد؟» و زمینه‌های ایجاد و گسترش فعالیت اقتصادی زنان روستایی کدام است؟ مورد توجه بوده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. از نتایج برگرفته از این تحقیق آنکه انگیزه‌های اقتصادی چون کسب درآمد، کمک به اقتصاد خانواده و داشتن اشتغال، در کنار فرصتهای فعالیت در وضع موجود و نظر همسر و خانواده، مهمترین شاخصهای مؤثر بر فعالیت اقتصادی و چگونگی آن برای زنان منطقه روستایی برآن است.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، فعالیتهای اقتصادی، اقتصاد روستایی، منطقه برآن، شهرستان اصفهان.

An analysis of rural women economical activities (case study: Baraan region_ Isfahan city)

S.H. Noori*and N.Ali Mohamadi**

* Geography Department, University of Isfahan

** M.A Student, Geography Department, University of Esfahan

Abstract

Contribution of women in economical and social activities and planning for more participation of them is an essential prerequisite for sustainable development. This is more important in rural communities of which the women contribution in household economy has been considerable forewore.

In this study, the economical contribution and activities of rural women in Baraan rural region has been investigated. The research method is a description_ analytic survey and relevant date have been collected by interviewing the 15-65 ages rural women of the region the size of the sample was 164 persons from 9 villages which have been selected via randomized clustery method through different age categories. The main questions about the role of rural women economical activities in rural economy of the region and also the favorable content of these activities have been in the core of concern. Some of the main results_ that were obtained by using of Factor Analysis statistical method _ were the income revenue motivation, contribution in household economy , employment for the rural women activities. In addition the attitude and satisfaction of the spouse and activity opportunities in the existing situations were the effective factors on these activities in the study region.

Key words: rural women, economical activities, rural economy, Baraan region and Isfahan city .

مقدمه

زنان در گستره جهانی نقش عمده ای در فعالیتهای اقتصادی دارند، اما فعالیت اقتصادی آنان در کشورهای در حال توسعه و از همه مهمتر در نواحی روستایی این جوامع شکل متفاوتی دارد. این فعالیتهای عمدتاً سنتی است، در داخل خانه انجام می شود، جنبه تولیدی دارد و در افزایش درآمد خانوار تأثیر

بسزایی دارد. با این حال، زنان روستایی نامرئی ترین مشارکت کنندگان در فرآیند اقتصادی جامعه و خانواده است. زنان نیمی از جامعه را تشکیل می دهند، بنابراین، عدم توجه به توانایی این بخش جامعه نتایج زیانباری را به دنبال خواهد داشت. امروزه زن روستایی و زحمات او که همه اقشار جامعه از آن بهره مند می شوند، تا حدودی مورد

توجه اندیشمندان و نهادهای اجتماعی قرار گرفته است. چنانکه گفته شده: «در دنیای کنونی نیل به اهداف توسعه بدون استفاده از ذخیره عظیم نیمی از پیکره جامعه؛ یعنی زنان، امری غیر ممکن خواهد بود»، و از همین رو «یکی از شاخصهای نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی، مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنان در ساختارهای اقتصادی است» (فائو، ۱۳۷۴: ۳). بنابراین، حق این بخش از جامعه برای بهره مندی از مواهب گوناگون توسعه اقتصادی باید مورد توجه برنامه ریزان قرار گیرد؛ به گونه ای که این گروه نسبت به ارزش و بازده کار خویش، از مواهب جامعه بهره مند شوند. ناحیه روستایی برآن، منطقه مورد مطالعه این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ به طوری که در این منطقه نیز مانند بسیاری از نقاط دیگر کشور، با وجود اینکه زنان در فعالیتهای کشاورزی و صنایع دستی و بسیاری از امور دیگر مشارکت فعال دارند، ولی آمار و ارقام نشان می دهد که کمتر به عنوان یک نیروی کار رسمی مورد توجه قرار گرفته اند و علی رغم حضور گسترده شان در فعالیتهای اقتصادی، در استفاده از تسهیلات دولتی با موانع متعددی روبه رو هستند و اعتبارات لازم برای حل مسائل و مشکلات به آنان اختصاص نیافته است. این پژوهش در نظر دارد فعالیت اقتصادی زنان روستایی منطقه برآن را در چارچوب این پرسشهای اساسی که نقش و سهم فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی در اقتصاد روستایی منطقه چیست؟ و

زمینه ها و فرصتهای بهینه اشتغال زنان روستا کدام است؟ و بالاخره راهکارهای ساماندهی و توسعه فعالیتهای اقتصادی زنان چیست؟ تجزیه و تحلیل نماید.

اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق از طریق مطالعه کتابخانه ای و همچنین مطالعه میدانی (مصاحبه و پرسشگری) گردآوری شده و با بهره گیری از روشهای آماری و استفاده از نرم افزارهای مناسب تجزیه و تحلیل گردیده است.

در این مطالعه، ابتدا ادبیات موضوع تحقیق و چارچوب نظری آن بررسی شده است. بخشهای بعدی به ترتیب به معرفی منطقه و همچنین مواد و روشهای به کاربرده شده در تحقیق پرداخته و در مرحله پایانی نیز اطلاعات به دست آمده بررسی و تجزیه و تحلیل و نتایج حاصل ارائه شده است.

ادبیات تحقیق

تحقیقات پیشین در زمینه موضوع مورد مطالعه می توانند منبع با ارزشی در هدایت تحقیق باشند، از این رو، مرور تحقیقات انجام شده ثمربخش خواهد بود. در اینجا به برخی از مهم ترین بررسیهای انجام شده درباره مشارکت اقتصادی زنان در حوزه اقتصاد روستایی و نتایج آنها می پردازیم.

نگاهی به ادبیات موضوع نشان می دهد که مطالعات در خصوص زنان روستایی، بویژه فعالیت اقتصادی ایشان در چهار دهه اخیر بسیار مورد توجه بوده است.

درآمدشان با محدودیت کنترل بر منابع، خصوصاً زمین در ارتباط است. بررسیها در بسیاری از نقاط جهان نشان می دهد که زنان اغلب کنترلی بر استفاده از کارشان ندارند و این، خانواده و جامعه هستند که تصمیم می گیرند که آنها، کجا و در چه شرایطی کار کنند یا کار نکنند. محدودیت بعدی که از آن نام برده، محدودیت در تحرک و محدودیتهای فرهنگی است. زنان به طور عمده مسوولیت خانواده را بر عهده دارند (کودکان و سالخوردگان). آنها باید کاری پیدا کنند که نزدیک خانه و خانواده باشد که این امر بازار کار را برای زنان محدود می سازد. این ناتوانی در حرکت بر فرصت های یادگیری و استخدام با حقوق بیشتر تأثیر می گذارد. وی نتیجه می گیرد که با وجود فشارهای فرهنگی و اجتماعی که مانع تحرک زنان می شود، ولی می بینیم که در بسیاری مواقع به علت فشار اقتصادی، زنان مجبورند برای یافتن کار به بیرون از روستاها مهاجرت کنند، ولی با اینکه دختران و زنان دور از خانواده مشغول فعالیتند، باز هم نمی توانند کلاً از کنترل خانواده فرار کنند.

یافته های مطالعات اتسن و وودنل در آغاز دهه ۹۰ (Ottesen & Woudnel, 1991) در زمینه نوع و نقش فعالیت زنان روستایی بیانگر آن است که زنان، آماده کردن و پختن غذا، آوردن آب، درست کردن آتش و آرد کردن ذرت برای پختن نان، مواظبت از بچه ها و شستن لباسها، همه کارها را انجام می دهند، اما در نگهداری از حیوانات مثل علف

در میان مطالعات خارجی، برخی که به لحاظ موضوع و نتایج با این مطالعه قرابت بیشتری دارند و تأثیر بسزایی در توسعه علمی موضوع مورد مطالعه نیز داشته اند، عبارتند از:

پژوهشهای زبیدان در دهه هشتاد (Zobeidan, 1984) در زمینه موانع و محدودیت های فعالیت زنان روستایی در زمینه دسترسی محدود به زمین و سایر منابع تولید، محدودیت در کنترل بر ثمره کار خویش و محدودیت در تحرک اجتماعی و فرهنگی و مسوولیتهای خانوادگی.

وی به این نتیجه رسیده است که در بیشتر جوامع روستایی که زمین مهمترین وسیله تولید است، کنترل بر زمین و همه متعلقات آن، علت عمده استقلال اقتصادی است که این خود بسیاری از روابط را به وجود می آورد و از جمله اینکه قدرت چانه زنی را بالا می برد. بنابراین، داشتن حتی یک قطعه زمین کوچک اهمیت حیاتی دارد. زنان به علت نداشتن کنترل بر حقوق زمین، همواره در مورد درآمد و پایگاه در جامعه وابسته به مردان هستند و چون دسترسی به اعتبار و دیگر خدمات عموماً به طور مستقیم در ارتباط با دسترسی به زمین است، زنان با طیف وسیعی از محدودیت در ارضای نقشهایشان به عنوان تولید کننده مواجه می شوند. تأثیر این محدودیت دسترسی به زمین این است که زنان در زمینه درآمد و پایگاه خود به مردان وابسته اند.

زبیدان مانع دوم در زمینه مشارکت زنان روستایی را عدم کنترل زنان بر کار و درآمدشان می داند؛ به این صورت که محدودیت در کنترل زنان بر کار و

دادن به دامها و ذبح دامها هیچ کاری را انجام نمی‌دهند، در حالی که در فعالیتهای کشاورزی مثل آماده کردن زمین، بذرکاری، کوددهی، وجین کردن علفهای هرز، برداشت محصول، استفاده از آفت کشها، بخش اساسی از کارها را انجام می‌دهند و در فعالیتهای درآمد زا، مثل درست کردن ذغال و فروش آنها مشارکتی ندارند و ماهیگیری و شکار را به صورت گاه و بیگاه انجام می‌دهند.

- مطالعات هولکومب در اواسط دهه ۹۰ Holcomb (1994) در مورد زنان روستایی افریقای و به طور خاص شرق سودان:

در این پژوهش، نوع فعالیتهایی که توسط زنان و مردان انجام می‌گیرد، با توجه به نوع محصول کشت شده، تفکیک شده، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که زنان در مراحل مختلف فعالیتهای کشاورزی، از جمله تمیز کردن زمین، آماده کردن بستر بذر، حصاربندی کردن باغ، کاشتن، نگهداری و محافظت از محصولات، کوددهی، وجین کردن، آبیاری، فرار پرندگان، برداشت محصول، انبارداری، درجه بندی، خرمن کوبی، فرآوری، ذخیره، بازاریابی و انتخاب بذر مشارکت دارند، اما سهم زنان در انجام هر کدام از این فعالیتهای بستگی به نوع محصول دارد؛ به طوری که در مرحله کاشتن مثل کاشت ارزن و محصولات باغی، مسوولیت زنان به عنوان مسوولیت اولیه بوده، اما در کاشت سورگوم و کاشت محصولات نقدی، مسوولیت زنان به عنوان مسوولیت

ثانویه محسوب می‌شود. اما در زمینه حمل محصولات (مثل ارزن، سورگوم، محصولات باغی و محصولات نقدی) این کار بیشتر به وسیله زنان انجام می‌گیرد و به عنوان مسوولیت اولیه به حساب می‌آید.

- پژوهشهای کروزمتر در سالهای اخیر Kruzmetra (2004) در مورد نوع اشتغال زنان، میزان بیکاری و بویژه میزان اختیار زنان روستایی بر کار و فعالیت خود بوده، نتایج پژوهش نشان داده است که زنان بیشتر از مردان دچار بیکاری هستند و آن دسته از اعضای خانواده را تشکیل می‌دهند که به خاطر کار در مزارع دستمزدی دریافت نمی‌کنند. در این وضعیت اقدام اساسی را افزایش اختیارات زنان روستایی می‌داند تا بر منابع و تصمیماتی که بر زندگیشان تأثیرگذار است، احاطه داشته باشند. همچنین نتایج نشان داده است که اختیار دادن به زنان و سرمایه اجتماعی دو مقوله اند که رابطه بسیار نزدیکی با هم دارند و علاوه بر این موارد فعالیتهای زنان روستایی در هر مؤسسه غیر دولتی می‌تواند ابزار مهمی برای اختیار دادن به زنان باشد.

در ایران نیز در سالهای اخیر، هم در بخشهای پژوهشی و اجرایی و هم در دانشگاه توجه نسبتاً خوبی به موضوع فعالیت اقتصادی زنان روستایی شده است.

لهسایی‌زاده در مورد نقش زنان در اقتصاد روستایی ایران نتیجه می‌گیرد که زنان روستایی ما در بخش کشاورزی، صنایع روستایی و خدمات از

مشارکت چندانی در تصمیم گیریهای خانواده ندارند (پور عربی، ۱۳۷۶).

ورزگر به بررسی میزان مشارکت نیروی کار زنان روستایی در تولید پنبه و عوامل مؤثر بر آن در منطقه گرگان و گنبد پرداخته است. او مسن بودن زنان تولید کننده و عدم گرایش کافی دختران و زنان جوان به انجام فعالیتهای تولیدی، محروم بودن آنان از آموزشهای فنی و حرفه ای، حجم بالای مسوولیتهای مربوط به خانه داری و فعالیتهای جنبی کشاورزی، آگاهی محدود در مورد به کارگیری نهاده ها را موانع موجود بر سر راه مشارکت زنان فعال در عرصه تولید می داند (ورزگر، ۱۳۷۶).

بابایی در بررسی تحولات فرآیند مشارکت زنان روستایی در گذار به جامعه صنعتی، عوامل چندی، از جمله عوامل اجتماعی، اقتصادی و نقش نظام های بهره وری را در ارتباط با مشارکت زنان روستایی مورد مطالعه قرار داده است (بابایی، ۱۳۷۶).

رئسی مبارکه نیز در بررسی تحولات فرآیند مشارکت زنان روستایی در گذار به جامعه صنعتی، به بررسی چهار عامل اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژی و بهره برداری پرداخته است (رئسی مبارکه، ۱۳۷۶).

پرتوی مهمترین عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اقتصادی زنان متأهل ۱۵-۴۹ ساله مناطق روستایی شهرستان مهاباد را تجزیه و تحلیل نموده و به این نتیجه رسیده است که از میان متغیر های مستقل اجتماعی، اقتصادی بسیار، تنها شغل شوهر و سپس طرز تلقی زن نسبت به نقش کاری خویش، بیشترین

تولیدکنندگان اصلی هستند، اما متأسفانه در آمارها، بررسیهای وضعیت موجود و برنامه ریزیها برای آینده، به آنها توجه کافی نشده است (لهسایی زاده، ۱۳۷۴).

محبوبی عقیده دارد که درصد بالای سهم زنان روستایی در تولید محصولات گوناگون لزوم توجه جدی به آنان را روشن می سازد. بر این اساس، زن روستایی باید با توجه به ارزش بازده کار خویش در جریان تولید، مورد توجه قرار گیرد و موانع و مشکلات موجود در راه پیشرفت وی از میان برداشته شود (محبوبی، ۱۳۷۴).

خانی با مطالعه جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرآیند توسعه روستایی، به این نتیجه رسیده است که کار زنان در نواحی روستایی گیلان تحت تأثیر نیاز به نیروی کار کشاورزی و کیفیت کاربری اراضی در نوسان است. او می گوید از نظر فضایی - مکانی اشتغال زنان با پراکندگی و انزوای واحدهای روستایی شدت می پذیرد و بین اشتغال زنان و درجه برخورداری خانوار روستایی رابطه ای معکوس وجود دارد (خانی، ۱۳۷۵).

پور عربی با مطالعه ای که در زمینه نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر انجام داده، به این نتیجه رسیده است که بیش از ۹۶ درصد از زنان روستایی، حداقل دارای یک فعالیت اقتصادی مکمل درآمد خانواده هستند، اما آنان

تأثیر را بر میزان مشارکت اقتصادی زن روستایی می‌گذارد (پرتوی، ۱۳۷۷).

ترکمانی و میرزایی با تحلیل اقتصادی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تولیدی همراه با دستمزد، به این نتیجه رسیده‌اند که عواملی، از جمله دارایی شوهر و میزان دستمزد زن تأثیر مثبت، و عواملی مانند سن شوهر، میزان تحصیل زن، میزان مالکیت بر زمینهای کشاورزی، تعداد فرزندان، فاصله تا شهر، فاصله تا مدرسه، میزان دستمزد شوهر تأثیر منفی بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تولیدی دارد (ترکمانی و میرزایی، ۱۳۷۸).

امیرنیا در مطالعه‌ای که در مورد میزان و چگونگی مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی در فرآیند توسعه روستایی انجام داده، به این نتیجه رسیده است که میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی بیش از مردان است و این مشارکت بویژه در تولید محصولات گندم و انگور، مخصوصاً در مرحله برداشت بیشتر به چشم می‌خورد. او به این نتیجه رسیده که بین متغیرهای مستقل چون استفاده از تکنولوژی، سطح درآمد و پایگاه اجتماعی- اقتصادی و متغیر وابسته مشارکت زنان روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد (امیرنیا، ۱۳۸۱).

امیری در بررسی نقش و جایگاه زنان روستایی در توسعه کشاورزی شهرستان پلدختر به این نتیجه رسیده است که زنان در فعالیتهای کشاورزی، دامداری و صنایع دستی و تبدیلی مشارکت

چشمگیری دارند، اما جایگاه آنان در توسعه کشاورزی شناخته شده نیست (امیری، ۱۳۸۴).

در زمینه شناسایی نقش فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی در اقتصاد روستایی ناحیه برآن، تا کنون مطالعه‌ای صورت نگرفته و می‌توان گفت این مطالعه و بررسی اولین تحقیقی است که در این زمینه انجام می‌پذیرد.

چارچوب نظری

زنان حدود نیمی از جمعیت جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند و دارای وظایف و نقشهای متعددی هستند. زنان روستایی با انجام فعالیتهای خانه‌داری (آماده کردن غذا، پختن، شستن، نگهداری و محافظت از بچه‌ها و غیره) و فعالیتهای بیرون از منزل (مثل کشاورزی، دامپروری، ماهیگیری و غیره) نقش مهمی را در رسیدن به توسعه روستایی به عهده دارند. نقش اخیر زنان از منطقه‌ای به منطقه دیگر و از محصولی به محصول دیگر بسیار متفاوت است (Momsen, 1995).

زنان در اغلب کشورهای در حال توسعه سهم درخور توجهی از نیروی کار کشاورزی را تشکیل می‌دهند؛ چنانکه در بسیاری از کشورها، ۶۰ تا ۷۰ درصد از نیروهای کار کشاورزی را به صورت آشکار و پنهان به خود اختصاص داده‌اند (مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۶: ۴). چنانکه از مجموعه نظریات و نتایج پژوهشهای متفاوت بخوبی مشخص است، اینکه زنان روستایی

و یا ناشی از نارساییهای بازار است. بر اساس نظریه نئوکلاسیک، درآمد زنها به این علت کمتر از مردان است که زنها از سرمایه انسانی کمتری، که عمدتاً آموزش و پرورش است و از این رو بازدهی کار پایین تری هم دارند، بهره مند می شوند (کار، ۱۳۷۳: ۱۶). بر این اساس کارفرمایان ترجیح می دهند که از کارگران مرد استفاده شود و تقاضا برای زنان کارگر کاهش می یابد (زنجانی زاده، ۱۳۷۰: ۶).

نظریه های جنسیتی

نکته اصلی نظریه های جنسیتی این است که موقعیت تابعی زنان در بازار کار و در خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزیی از یک سیستم کل اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان هستند. هم در کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار و هم در جوامع صنعتی دیگر که متکی به بازار نیستند، حتی هنگامی که زنها در خارج از خانه کار می کنند، باز هم کار خانگی، به ویژه مراقبت از کودک، به آنها اختصاص دارد (کار، ۱۳۷۳: ۲۴).

هارتمن^۱ (۱۹۷۶) اثر انقلاب صنعتی بر وضع شغلی زنها را در انگلستان بررسی و چنین بحث می کند که سندیگاههای کارگری مردانه در محدود کردن فرصتهای اشتغال برای زنان مؤثر بوده اند؛ زیرا با توجه به اینکه به زنها مزد کمتری پرداخت می شد، وجود آنها تهدیدی برای مشاغل مردان به حساب

گذشته از نقش خانه داری و نقش تعیین کننده ای که همزمان با کمک در فعالیتهای اقتصادی خانواده ایفا می کنند، نیروهای نامرئی هستند که معمولاً نه تنها حقوق و دستمزد دریافت نمی کنند، بلکه فعالیت اقتصادی آنان به رسمیت شناخته نمی شود و یا اصلاً به حساب نمی آید. این وضعیت در جوامع مبتنی بر دامداری، زراعت و باغداری بشدت با سطح توسعه جامعه ارتباط دارد.

در زمینه وضعیت فعالیت اقتصادی زنان و حضور ایشان در زمینه بازار کار نظرات مختلفی ارائه شده است که در اینجا به چند نظریه مطرح در این زمینه اشاره می کنیم.

نظریه های نئوکلاسیک

نظریه های نئوکلاسیک برای تشریح تفاوتهای جنسی و اینکه چرا درآمد حاصل از کار زنان کمتر از مردان است، بر متغیرهایی نظیر مسوولیت های خانوادگی، نیروی جسمی، آموزش عمومی، آموزش فنی، ساعات کار، غیبت از کار و جابه جایی در کار که به عنوان متغیرهایی که بهره وری کار و عرضه کار را تحت تأثیر قرار می دهد، تأکید می کند. یکی از فرضهای اساسی اقتصاددانان کلاسیک این است که در شرایط رقابتی، به کارگران مزدی معادل ارزش نهایی محصول پرداخت می شود و در پی این فرض چنین گفته می شود که تفاوت مشاهده شده در درآمد مردان و زنان یا به دلیل بهره وری پایین تر زنها

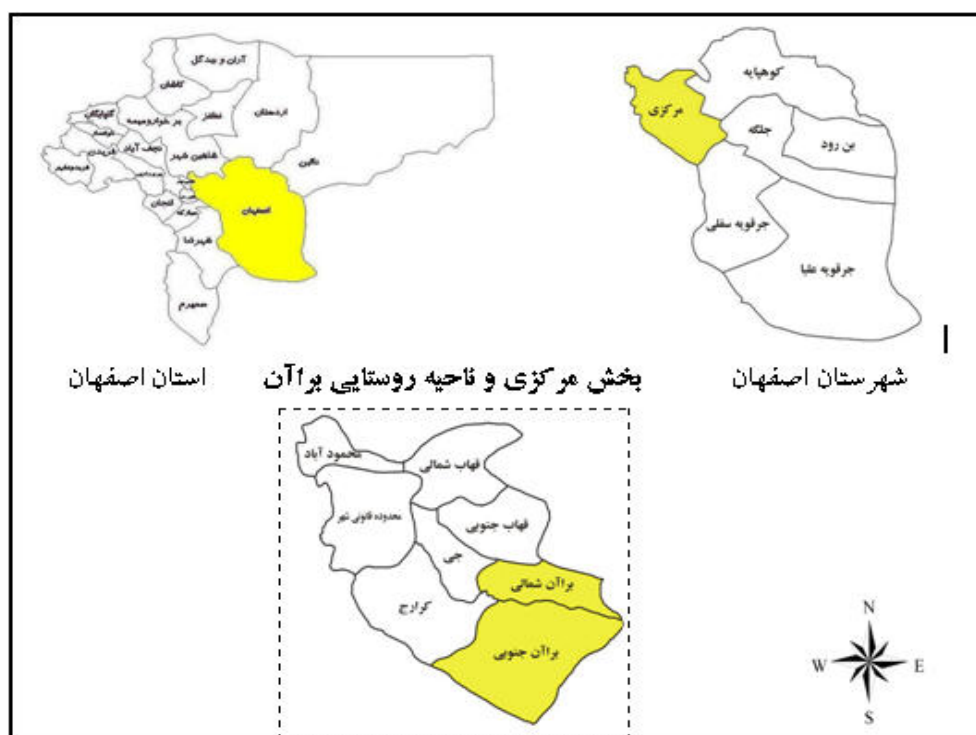
معرفی منطقه مورد مطالعه

منطقه برآن در جنوب شرقی شهرستان اصفهان واقع شده است و از لحاظ تقسیمات کشوری شامل دو دهستان از بخش مرکزی شهرستان اصفهان است. (شکل (۱) موقعیت منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد). بر مبنای اطلاعات سال ۱۳۸۵، منطقه برآن به مساحت ۵۱۱/۳۷۵ کیلومتر مربع و ۲۸۴۸۰ نفر جمعیت، شامل دو دهستان برآن شمالی و جنوبی و ۴۶ آبادی دارای سکنه است. از کل جمعیت منطقه، ۵۲/۱۲ درصد مردان (۱۴۸۴۴ نفر) و ۴۷/۸۸ درصد (۱۳۶۳۶ نفر) را زنان تشکیل می‌دهند. تعداد زنان در سن فعالیت (۱۵-۶۵ سال) در منطقه ۷۴۳۴ نفر است که ۲۳/۷ درصد آنان (۱۷۶۱ نفر) شاغل و حدود یک درصد (۷۰ نفر) بیکار محسوب می‌شوند و مابقی نیز جزو زنان غیر فعال قلمداد شده اند (مرکز بهداشت استان اصفهان، ۱۳۸۵). شغل اصلی اکثر مردان، کشاورزی است و اکثر زنان منطقه- بدون اینکه شاغل محسوب شوند- در بخش صنایع دستی و بخصوص قالی بافی مشغول به فعالیت هستند. از ویژگیهای بارز روستاهای منطقه برآن جوانی جمعیت است که این امر در مورد زنان حتی بیشتر نیز مشاهده می‌شود.

می‌آمد. مزدهای پایین زنها را وابسته به مردها نگاه می‌داشت و انجام کارهای کوچک خانگی توسط زنها برای مردان را موجه می‌ساخت که این امر به نوبه خود وضعیت زنها در بازار کار را تضعیف می‌کرد و مشاغل باثبات تر و بهتر را برای مردان باقی می‌گذاشت (کار، ۱۳۷۳: ۲۵).

موضوع دیگری که به وسیله نویسندگان طرفدار نظریه جنسیتی مطرح گردیده، مزاحمت های جنسی است. فارلی^۱ (۱۹۷۸) عقیده دارد که این نوع مزاحمت ها عامل مهمی در جابه جایی زیاد کارگران زن است زیرا دست کشیدن از کار چاره اصلی این نوع گرفتاری است. وی همچنین می گوید این مزاحمتها در جداسازی مشاغل بنا بر جنسیت افراد و تداوم آن تا حدود زیادی مؤثر بوده و غالباً مساعی مربوط به وارد کردن زنان در مشاغلی که در قلمرو مردها قرار دارد، از این طریق خنثی شده است (کار، ۱۳۷۳: ۲۶).

نظریه های جنسیتی همچنین تأکید می کند که گرایش «مشاغل زنانه» برای این است که انعکاسی از نقش خانگی زنان باشد (نظیر آموزگاری، پرستاری، نظافت، پذیرایی) و درست همان طور که در بیشتر جوامع کار خانگی زنها کم ارزش تر شده است، این مشاغل و مهارتها نیز کم ارزش هستند (کار، ۱۳۷۳: ۲۷).



شکل (۱): موقعیت جغرافیایی ناحیه روستایی برآن

روش تحقیق

این تحقیق یک پژوهش پیمایشی (مطالعه میدانی «پرسشگری به صورت مصاحبه») و توصیفی-تحلیلی است و جامعه آماری این تحقیق زنان فعال ۱۵ تا ۶۵ ساله منطقه برآن هستند. در این پژوهش، تعداد ۱۶۴ زن روستایی ۱۵ تا ۶۵ ساله از ۲۵ درصد روستاهای بالای ۲۰ خانوار (۹ روستا) و به نسبت تعداد زنان در گروه سنی مذکور در هر روستا (۲۰ درصد)، به صورت نمونه گیری خوشه‌ای تصادفی (۵ روستا از دهستان برآن شمالی و ۴ روستا از دهستان برآن جنوبی) انتخاب گردیدند. انتخاب نمونه‌ها بر اساس تخصیص بهینه از میان گروه‌های سنی مختلف به عمل آمده است، بدین معنی که در

هر روستا تعدادی از زنان روستایی در سنین مختلف از گروه سنی ۱۵ تا ۶۵ ساله به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند.

برای تکمیل اطلاعات مورد نیاز در این بخش، گذشته از نتایج پرسشگری به صورت مصاحبه، مجموعه اطلاعات قابل دسترس در منابع و اسناد مربوط به منطقه نیز استفاده شده است. شاخص‌های عمده مورد شرکت داده شده در تجزیه و تحلیل آماری در این تحقیق عبارتند از:

- ویژگی‌های فردی پاسخگویان (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، تحصیلات همسر، شغل همسر، درآمد همسر، تعداد فرزندان)؛
- وضعیت اشتغال و بیکاری زنان منتخب؛

اسپیرمن Charles spearman مطرح شد (فرشادفر، ۱۳۸۴ : ۳۴۰). در واقع «تحلیل عاملی به مجموعه‌ای از فنون آماری اشاره می‌کند که هدف مشترک آنها ارائه دادن مجموعه ای متغیر بر حسب تعداد کمتری متغیر فرضی است» (جی- ان کیم و دیگران، ۱۳۸۱ : ۶). ویژگی عمده تکنیک تحلیل عاملی، تقلیل شاخصها و متغیرهای زیاد به چند عامل با استفاده از روشهای ریاضی پنهان و پیچیده است. این ویژگی امکان طبقه بندی تعداد زیادی از پدیده ها (اعم از شهر، روستا و ...) را فراهم می‌کند (طالبی و دیگران، ۱۳۸۰ : ۱۲۸). به همین دلایل پژوهشگران نیز در این پژوهش از روش تحلیل عاملی برای آزمون فرضیه های خود استفاده کرده‌اند.

تجزیه و تحلیل و نتایج

برای تجزیه و تحلیل نقش فعالیتهای زنان روستایی در اقتصاد روستایی منطقه، نخست از طریق آزمون بارتلت به بررسی داده ها برای استفاده در تحلیل عاملی پرداخته ایم.

- وضعیت فعالیت اقتصادی زنان (کشاورزی، صنایع روستایی، سایر مشاغل)؛
- نظر خانواده یا همسر زنان شاغل در رابطه با اشتغال؛
- علت وانگیزه اشتغال؛
- سهم درآمد زنان از درآمد خانوار،
- میزان رضایت از درآمد؛
- موارد مصرف درآمد؛
- وضعیت مالی در صورت عدم فعالیت و ادامه فعالیت در صورت کافی بودن درآمد خانوار؛
- تخصص و تجربه در زمینه حرفه؛
- اهمیت برخورداری از شغل و رضایت شغلی،
- فرصتهای شغلی موجود در منطقه؛
- موانع و مشکلات اشتغال زنان.

یکی از روشهای آماری برای تجزیه اطلاعات موجود در مجموعه داده ها، روش تجزیه به عاملها یا تحلیل عاملی است. این روش در اوایل قرن بیستم توسط کارل پیرسن Karl pearson و چارلز

جدول (۱): تستهای KMO و Bartlett's

505/0	KMO	
135/9	Chi-Squared	Bartlett's Test of Sphericity
92	d.f	
36	Sig.	
000۰/		

تحلیل عاملی دلالت داشته و $\text{Sig} = ۰۰۰$ بیانگر معنی دار بودن آزمون بارتلت است.

در جدول (۱) آزمون بارتلت، مقدار بزرگ KMO در این جدول بر رضایت بخش بودن

جدول (۲): نمایی از مؤلفه های تحقیق و سهم هر یک از آنها

مؤلفه	مقدار ویژه	درصد واریانسی که هر عامل نشان می دهد	درصد تجمعی کل واریانس
1	887/1	965/20	965/20
2	659/1	432/18	397/39
3	444/1	047/16	444/55
4	115/1	393/12	837/67
5	879۰/۰	762/9	600/77
6	770۰/۰	555/8	155/86
7	593۰/۰	585/6	740/92
8	380۰/۰	219/4	958/96
9	274۰/۰	042/3	000/100

می کند و چون مقدار ویژه آنها کمتر از ۱ است، معنی دار نیست و در تحلیل های بعدی از محاسبات کنار گذاشته شده اند.

جدول فوق نشان می دهد که میزان نقش زنان روستایی در اقتصاد روستایی منطقه برآن دارای چهار مؤلفه اصلی است که نزدیک به ۶۸ درصد تغییرات را بیان می کنند.

نتایج بررسی و تحلیل شاخصها از طریق تحلیل مؤلفه های اصلی در جدول (۲) آمده است. در این تحلیل، اولین مؤلفه به تنهایی ۲۰/۹۶۵ درصد از واریانس را توضیح می دهد. مؤلفه دوم ۱۸/۴۳۲، مؤلفه سوم ۱۶/۰۴۷، مؤلفه چهارم ۱۲/۳۹۳ درصد از واریانس بعدی را محاسبه می کند. پنج مؤلفه بعدی بین ۹/۷۶۲ تا ۳/۰۴۲ درصد از واریانس را محاسبه

جدول (۳): ماتریس وزنی مؤلفه ها در حالت دوران یافته

ماتریس داده های آماری				مؤلفه ها
4	3	2	1	
295۰/	759۰/	044۰/-	265/-0	کمک به فعالیتهای خانواده یا دریافت دستمزد مجزا
014۰/	575۰/	027۰/	389۰/	نوع فعالیت اقتصادی
233۰/	629۰/-	041۰/	005/-0	علت اشتغال
056۰/	051۰/	924۰/	091۰/	ادامه فعالیت در صورت کافی بودن درآمد خانوار
687۰/	257۰/	064۰/-	257۰/	موارد مصرف درآمد
126۰/	190۰/	069۰/-	818۰/	سهم زنان از درآمد خانوار
- 093۰/	105۰/-	904۰/	122۰/-	میزان اهمیت برخورداری از کار
087۰/	213۰/	035۰/-	849۰/	ایجاد مشکل مالی در صورت عدم فعالیت

بودن درآمد خانوار همبسته بوده و از آنها بیشترین تأثیر را پذیرفته است.

- عامل سوم بیش از همه، از متغیر کمک به فعالیتهای خانوار بارگیری نموده است.

- عامل چهارم نیز با موارد مصرف درآمد همبستگی بیشتری دارد و نشان دهنده تأثیر این مؤلفه در نقش فعالیتهای اقتصادی زنان در اقتصاد روستاست.

در زمینه فرصتهای فعالیت اقتصادی زنان روستایی در بخش صنایع نتیجه تجزیه و تحلیل آماری به ترتیب زیر بوده است.

با توجه به چرخش عاملی انجام شده و بر اساس بارهای عاملی در جدول (۳)، بارگیری و ساختار عاملی تحلیل بیانگر آن است که:

- عامل اول با سهم زنان از درآمد خانوار و ایجاد مشکل مالی در صورت عدم فعالیت دارای همبستگی مثبت و بسیار بالایی است. بنابراین، این مؤلفه بیشترین تأثیرات را در تعیین نقش فعالیتهای اقتصادی زنان در اقتصاد روستا دارد.

- عامل دوم نیز با متغیرهای میزان اهمیت برخورداری از کار و ادامه فعالیت در صورت کافی

جدول (۴): تستهای KMO و Bartlett's

√50/0	KMO	
34/99 2	Chi-Squared	Bartlett's Test of Sphericity
۱۰	d.f	
000۰/	Sig.	

با توجه به جدول آزمون بارتلت (جدول شماره ۴) بودن تحلیل عاملی دلالت داشته و $\text{Sig} = ۰۰۰$ در مقدار بزرگ KMO در این جدول بر رضایت بخش این جدول بیانگر معنی دار بودن آزمون بارتلت است.

جدول (۵): نمایی از مؤلفه های تحقیق و سهم هر یک از آنها

مؤلفه های تحقیق	مقدار ویژه	درصد واریانسی که هر عامل نشان می دهد	درصد تجمعی کل واریانس
1	۱/۵۱۴	۳۰/۲۸۶	۳۰/۲۸۶
2	۱/۲۳۱	۲۴/۶۱۶	۵۴/۹۰۲
3	۰/۹۷۱	۱۹/۴۱۸	۷۴/۳۲۰
4	۰/۶۸۵	۱۳/۷۰۷	۸۸/۰۲۸
5	۰/۵۹۹	۱۱/۹۷۲	۱۰۰/۰۰۰

می کنند. با توجه به چرخش عاملی انجام شده و بر اساس بارهای عاملی در جدول (۶)، بارگیری و ساختار عاملی تحلیل بیانگر آن است که:

- عامل اول با نوع فعالیت اقتصادی زنان و فرصتهای شغلی موجود در منطقه همبستگی مثبت و بسیار بالایی دارد. بنابراین، این مؤلفه بیشترین تأثیر را در رویکرد زنان روستایی به بخش صنعت داشته و به تبع آن در گسترش فرصت فعالیت اقتصادی زنان منطقه برآن بیشترین تأثیر را خواهد داشت.

نتایج تحلیل عاملی در جدول شماره ۵ نشان می دهد که اولین مؤلفه ۳۰/۲۸۶ درصد از واریانس و مؤلفه دوم ۲۴/۶۱۶ درصد از واریانس را توضیح می دهد. سه مؤلفه بعدی بین ۱۹/۴۱۸ تا ۱۱/۹۷۲ درصد از واریانس را محاسبه می نماید و چون مقدار ویژه آنها کمتر از ۱ است، معنی دار نیست و در تحلیل های بعدی از محاسبات کنار گذاشته شده اند. بنابراین، زمینه ایجاد و گسترش فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی در بخش صنایع دارای دو مؤلفه اصلی است که نزدیک به ۵۵ درصد تغییرات را بیان

جدول (۶): ماتریس وزنی مؤلفه ها در حالت دوران یافته

مؤلفه ها		
2	1	
۰/۷۷۰	۰/۳۳۸	کمک به فعالیتهای معمول خانواده یا دریافت دستمزد مجزا
۰/۱۷۷	۰/۷۳۸	نوع فعالیت اقتصادی
۰/۷۶۸	-۰/۴۰۱	نظر همسر یا خانواده در مورد اشتغال
۰/۱۳۷	-۰/۴۸۳	میزان اهمیت برخورداری از کار
۰/۰۱۲	۰/۶۷۸	فرصتهای شغلی موجود در منطقه

نتیجه گیری و ارائه راهکار

منطقه مورد مطالعه در زمینه فعالیت اقتصادی زنان روستایی از ابعاد بسیاری شرایط معمول نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه را داراست. فعالیت اقتصادی در چارچوب فیزیکی خانه، فعالیت سنتی تولیدی در پایین ترین سطح تکنولوژی، عدم آشنایی و کنترل بر شرایط و مناسبات کاری خود و اغلب کار بدون دریافت دستمزد از ویژگیهای معمول کار زنان روستایی در ناحیه برآآن است. با وجود این در این منطقه به لحاظ برخورداری از شرایط نسبتاً مناسب کشاورزی و به تبع آن درآمد نسبتاً خوب خانوادگی، نزدیکی به شهر و ارتباط تنگاتنگ این منطقه با شهر بزرگی چون اصفهان، گذشته از فعالیت عمده قالیبافی که به شکل سنتی در منطقه اجرا می شود، بسیاری از جلوه های منفی اشتغال زنان چون فعالیت مداوم و بدون دستمزد در فعالیت های

دامداری و کشاورزی خیلی نادر به چشم می خورد. این شرایط کلی موجب شده زنان این ناحیه - که بویژه با توجه به جوانی جمعیت، توانمندی عظیمی برای توسعه منطقه دارد، مشارکت بسیار ناچیزی در فعالیت اقتصادی داشته باشند.

انواع فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی منطقه شامل: کشاورزی، صنایع روستایی و سایر مشاغل است. منظور از سایر مشاغل، کارهای خانگی مثل درست کردن ترشی و مربا و فعالیتهایی مثل مامایی، بهیاری و ... است.

از میان زنان روستایی شاغل ۹/۶ درصد در فعالیتهای کشاورزی، ۷۸ درصد در فعالیتهای مربوط به صنایع روستایی، ۲/۴ درصد در کارهای خانگی و...، ۷/۷ درصد هم در کشاورزی و هم در صنایع روستایی و ۲/۴ درصد آنان نیز هم در بخش صنایع روستایی و هم در کارهای خانگی و ... فعالیت

تولیدکنندگان، مدت زمان طولانی فعالیت و اظهار علاقه اکثر زنانی که در کار تولید قالی فعال هستند، یا نسبت به آن آگاهی لازم دارند، انجام فعالیت به صورت همیاری و نزدیکی اکثر روستاها به هم، و مشابه بودن میزان آگاهی حرفه ای زنان این روستاها از صنایع دستی، همگی تلاش جدی را برای ایجاد شبکه های تولیدی در بخشهای رایج تر و بتدریج فعالیت های گسترده تر، بویژه در زمینه فعالیت های جنبی کشاورزی ایجاب می کند. لذا پیشنهاد می شود مدیریت ترویج استان اصفهان از طریق دفتر امور زنان وزرات جهاد کشاورزی در زمینه تشکیل شبکه های تولیدی در منطقه روستایی برآن اقدام لازم را به عمل آورد.

با توجه به اینکه اکثر افراد نمونه اظهار داشته اند فعالیت تولیدی خود را به صورت سنتی و قدیمی فراگرفته اند، پیشنهاد می شود سازمانهای متولی آموزش علمی و حرفه ای، به هیچ وجه از آموزشهای سنتی که عمدتاً حاوی اطلاعات و فنون جالب توجهند، غافل نشوند (تلفیق دانش بومی و دانش امروزی) و در صورت تشکیل شبکه تولیدی، هیأت مؤسس آن از زنان منطقه، مخصوصاً از زنان جوان و با سواد باشند. همچنین در تمام مراحل انجام کار (تشکیل شبکه تولیدی، دادن اعتبارات، آموزش، کلاسهای تخصصی و ...) دیدگاهها و نظرهای زنان منطقه مورد توجه مسوولان و دفتر امور زنان روستایی قرار گیرد.

می کنند. با مشاهده این ارقام می توان به این نتیجه دست یافت که اکثر زنان روستایی منطقه برآن در بخش صنایع روستایی مشغول به انجام فعالیت هستند و کمتر در فعالیتهای کشاورزی و ... مشارکت دارند. لذا با مساعد شدن شرایط فرهنگی محیط از طریق آموزش به مردان در مورد کار زنان، می توان شاهد گسترش فعالیت زنان در کشاورزی و سایر مشاغل بود.

از مجموعه نتایج تجزیه و تحلیل داده ها در این پژوهش مشخص شد که انگیزه های اقتصادی چون کسب درآمد، کمک به اقتصاد خانواده و داشتن اشتغال، البته در کنار فرصتهای فعالیت در وضع موجود و نظر همسر و خانواده، به ترتیب مهمترین شاخصهای مؤثر در فعالیت اقتصادی و چگونگی آن برای زنان منطقه روستایی برآن است. این نتایج حاکی از آن است که زمینه های بسیار مناسبی برای توسعه فعالیت زنان روستایی و ایجاد زمینه های مشارکت اقتصادی بیشتر این بخش از جامعه، در منطقه وجود دارد.

یکی از راهکارهای بسیار مناسب برای ساماندهی و توسعه فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی منطقه، تشکیل شبکه تولیدی زنان روستایی در بخش صنایع دستی است. آگاه بودن و آشنایی در خور توجه اکثر افراد نمونه به صنایع دستی، مخصوصاً قالی بافی، پایین بودن میزان درآمد افراد نمونه در قبال تولیدات خود و نیاز به وجود یک نظام خرید محصول از

منابع و مأخذ:

- ۱- امیری، آزاده. (۱۳۸۴). نقش و جایگاه زنان روستایی در توسعه کشاورزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- ۲- امیرنیا، لیلا. (۱۳۸۱). میزان و چگونگی مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی در فرآیند توسعه روستایی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۳- بابایی، محبوبه. (۱۳۷۶). تحولات فرآیند مشارکت زنان روستایی در گذار به جامعه صنعتی، گردهمایی زنان- مشارکت و کشاورزی، خلاصه گزارش گردهمایی مطالعاتی، جلد اول، انتشارات مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- ۴- پرتوی، لطیف. (۱۳۷۷). بررسی و تحلیل مهمترین عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اقتصادی زنان متأهل ۴۹-۱۵ سال مناطق روستایی شهرستان مهاباد، پایان نامه کارشناسی ارشد تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- ۵- ترکمانی، جواد و دیگران. (۱۳۷۸). تحلیل اقتصادی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تولیدی همراه با دستمزد، فصلنامه روستا و توسعه، جلد ۳، شماره ۳ و ۴، صص ۹۵-۸۱.
- ۶- جی - ان کیم و دیگران. (۱۳۸۱). مقدمه ای بر تحلیل عاملی و شیوه به کارگیری آن، ترجمه صادق بختیاری، صادق و طالبی، هوشنگ، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ۷- خانی، فزیله. (۱۳۷۵). جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرآیند توسعه (مطالعه موردی: استان گیلان)، پایان نامه دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۸- رسول پورعربی، حسین. (۱۳۷۶). بررسی نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۹- رئیسی مبارکه، سهیلا. (۱۳۷۶). تحولات فرآیند مشارکت زنان روستایی در گذر به جامعه صنعتی، مجموعه مقالات گردهمایی زنان- مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، انتشارات مؤسسه پژوهشهای برنامه و اقتصاد کشاورزی، جلد ۱.
- ۱۰- زنجانی زاده، هما. (۱۳۷۰). بررسی نظریات نابرابری جنسی در بازار کار، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۴، شماره ۱.
- ۱۱- سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (فائو)، (۱۳۷۴). نقش زنان در توسعه کشاورزی، ترجمه صاحب نصب، غلامحسین، تهران: انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی.
- ۱۲- طالبی، هوشنگ و دیگران. (۱۳۸۰). تحلیل شاخصها و تعیین عوامل مؤثر در توسعه انسانی شهرهای بزرگ کشور، فصلنامه

20- Holcomb ,S. (1994)." Productivity profile of women agricultural program" ، In H.S.Foldestein and S.Jiggins(Ed). Tools for The Field Methodologies For Gender Analysis In agriculture .Kumarin Press ,pp:95-98.

21- Kruzmetra ,M.(2004).Rural women empowerment- actual task of rural development .faculty of social sciences ، Latvia university of agriculture.

22- Momsen ،J.(1995).Women and development in third world ،New York:Routledge.

23- Ottesen ،G.H and Woudnel ، M.(1991)."Gender and food: Women bargaining and agricultural change in Tanzanian community":Stolen ،A .K and Vaa ،M(ed.). Gender and change developing countries ،pp:102-110.

24- Zobeidan ،A.(1984). Rural women and thire work dependence and altarnatives for change. International labour Review.Vol.123, No.1.January-February.

تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۰، مشهد، ناشر پاپلی یزدی.

۱۳- فرشادفر، عزت اله. (۱۳۸۴). اصول و روشهای آماری چند متغیره، چاپ دوم، انتشارات طاق بستان، کرمانشاه.

۱۴- کار، مهرانگیز. (۱۳۷۳). زنان در بازار کار ایران، چاپ اول، انتشارات روشنگران، تهران.

۱۵- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۷۴). نقش زنان در اقتصاد روستایی ایران، مجموعه مقالات دومین و سومین سمینار سیمای زن در جامعه، انتشارات دانشگاه الزهرا(س)، تهران.

۱۶- محبوبی، محمدرضا. (۱۳۷۶). نگاهی اجمالی به نقش زنان روستایی در تولید، مجموعه مقالات دومین و سومین سمینار سیمای زن در جامعه، انتشارات دانشگاه الزهرا(س)، تهران.

۱۷- مرکز بهداشت استان اصفهان. (۱۳۸۵). بانک اطلاعات طرح شبکه های بهداشتی و درمانی، مرکز بهداشت استان اصفهان، اصفهان.

۱۸- مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی. (۱۳۷۶). شناخت زمینه ها و ویژگیهای مشارکت زنان در بخش کشاورزی ایران و تحولات مورد انتظار در افق ۱۴۰۰، مجموعه مقالات گردهمایی زنان- مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، انتشارات مؤسسه پژوهشهای برنامه و اقتصاد کشاورزی، جلد ۵.

۱۹- ورزگر، شراره، (۱۳۷۶). بررسی میزان مشارکت نیروی کار زنان روستایی در تولید پنبه و عوامل مؤثر بر آن در منطقه گرگان و گنبد، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۳.